

تحلیل تطبیقی مفهوم ناصبی‌گری در دیدگاه اندیشمندان فریقین

نجم‌الدین طبسی^۱

حسن بلقان‌آبادی^۲

سیدمحمد سلطانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳

چکیده

ناصبی‌گری که با ابراز دشمنی نسبت به اهل‌بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شود، از جریان‌های با نفوذ در تاریخ اسلام بوده است و ردپای آن را از همان دوران حضور معصومان علیهم‌السلام می‌توان جستجو کرد، ازاین‌رو «نصب و ناصبی‌گری» از عناوین پرتکرار در ابواب گوناگون حدیثی و فقهی نگاشته‌های شیعی است و احکام و آثار بسیاری بر این عنوان بار شده است. نوشتار پیش‌رو با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به استخراج و دسته‌بندی مفهوم نصب و ناصبی‌گری در میان اندیشمندان شیعه و اهل سنت پرداخته و سپس با تحلیل انتقادی دیدگاه‌ها تلاش دارد به مفهوم دقیق و جامعی از این اصطلاح دست یابد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، دیدگاه قراردادی عامه تحت عنوان نواصب یا انحصار نصب در تدین به دشمنی حضرت علی علیه‌السلام با روایات فراوانی ناسازگار است؛ بنابراین باید دیدگاه مشهور فقهای شیعه را پذیرفت که تنها کسانی را ناصبی برشمرده‌اند که با اهل‌بیت علیهم‌السلام و شیعیان دشمنی و بغض دارند و آن را به گونه‌ای اظهار می‌کنند. ناصبی‌بودن عنوان خاصی و دارای احکام ویژه‌ای در فقه اهل سنت نیست و اهتمام ویژه‌ای برای بیان تعریف دقیق آن دیده نمی‌شود؛ گرچه معیارهایی که برخی از آنان برشمرده‌اند، به همان تعریف مشهور فقهای شیعه بازگشت دارد. واژگان کلیدی: نصب، ناصبی، امام علی علیه‌السلام، اهل‌بیت علیهم‌السلام، فقه مقارن.

۱. استاد دروس خارج حوزه علمیه قم.

۲. طلبه سطح ۴ و پژوهشگر کلام و مذاهب اسلامی.

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام و سطح ۴ مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی.

مقدمه

ناصبی‌گری به عنوان یک جریان پرهیاهو و جنجالی در طول تاریخ اسلام حضوری فعال داشته است. ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری آن را می‌توان در ظهور عثمانیه در همان سده نخست هجری دانست. عثمانیه کسانی بودند که به سبب محبت افراطی به عثمان بن عفان به تنقیص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌پرداختند و او را قاتل عثمان معرفی می‌کردند (ابن حجر، ۱۴۰۷ق: ۱۶/۷). سیاست‌های معاویه و امویان در ترویج لعن و تنقیص امام علی علیه السلام و اهل‌بیت علیهم السلام در تمامی جهان اسلام (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۱۸۶/۲) به گسترش و نفوذ چشم‌گیر جریان ناصبی‌گری کمک کرد؛ به گونه‌ای که در قرن چهارم هجری، حاکم نیشابوری از فضای آلوده به نصب دوران خود شکوه می‌کند و در مقدمه کتاب فضائل الزهر علیه السلام می‌نویسد: «زمانه ما را گرفتار والیانی نموده است که مردم برای تقرب به آنان، بغض اهل‌بیت علیهم السلام را اظهار می‌کنند...» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۹ق: ۳۰).

فقه‌های شیعه با توجه به روایات ائمه اطهار علیهم السلام نواصب و دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام را کافر دانسته و همه احکام و لوازم کفر را بر آنان جاری کرده‌اند (شهید ثانی، بی‌تا: ۴۶۷/۱؛ همو، ۱۴۱۹ق: ۲۱۱/۷) که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. نجاست نواصب (شهید ثانی، بی‌تا: ۲۴/۱، مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۵۱/۱؛ نراقی، ۱۴۱۶ق: ۲۰۴/۱)، باقی‌مانده غذا و آب و سؤر (محقق حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۳/۱) و غسله آنان. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۶۳/۱)

۲. ازدواج کردن با ناصبیه و دختر دادن به ناصبی جایز نیست (ازدواج دائم و موقت) (محقق حلی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۹/۲).

۳. غسل دادن، کفن کردن، نماز خواندن و دفن کردن نواصب جایز نیست (شهید ثانی، بی‌تا: ۸۲/۱).

۴. خواندن نماز بر جنازه ناصبی واجب نیست (همان).

۵. در صورتی که نواصب مستبصر شوند، باید حج خود را اعاده کنند (همان: ۱۴۷/۲).

۶. انسان مسلمان نمی‌تواند به نیابت از نواصب، حج به جا آورد؛ مگر اینکه پدرش باشد، (همان: ۱۶۳/۲).

۷. ناصبی از مسلمان ارث نمی‌برد (شهید ثانی، ۱۴۱۹ق: ۲۶/۸؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۳۲/۳۹).

۸. صید نواصب حلال نیست (شهید اول، بی‌تا: ۳۹۴/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق: ۲۰۱/۷).

۹. ذبیحۀ نواصب حرام است (محقق حلی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۶/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۶/۲).
 ۱۰. صدقه دادن به ذمی و اهل سنت جایز است؛ ولی صدقه دادن به نواصب جایز نیست (شهید اول، بی تا: ۲۵۵/۱).
 ۱۱. دادن زکات به نواصب و اطعام نواصب از باب کفاره روزه جایز نیست (همان: ۱۸۸/۲).
 ۱۲. آزاد کردن عبدی که ناصبی است، به عنوان کفاره واجب مثل کفاره ظهار و یمین جایز نیست (محقق حلی، ۱۴۱۵ق: ۲۹۹/۲؛ شهید ثانی، بی تا: ۲۱۱/۶).
 ۱۳. اطعام اهل سنت از باب کفاره روزه جایز است؛ اما اطعام نواصب جایز نیست (محقق حلی، ۱۴۱۵ق: ۷۲/۳).
 ۱۴. گرفتن اموال نواصب برای شیعیان جایز است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۵۴۳/۶).
 ۱۵. نواصب در روز قیامت از شفاعت بهره‌مند نمی‌شود. (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۴۰۵/۹).
- با وجود گستردگی کاربرد این مفهوم در ابواب گوناگون فقهی، بیان یک تعریف دقیق از آن چالشی فراوری فقیهان مسلمان به‌ویژه شیعه است. پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به استخراج و دسته‌بندی مفهوم نصب و ناصبی‌گری در میان اندیشمندان شیعه و اهل سنت پرداخته و سپس با تحلیل انتقادی دیدگاه‌ها می‌کوشد به مفهوم دقیق و جامعی از این اصطلاح دست یابد.

۱. پیشینه پژوهش

مفهوم نصب و ناصبی‌گری یکی از مفاهیم کلیدی در مباحث فقه شیعه است و به تبع آن بسیاری از فقیهان به طور ضمنی در مباحث فقهی خود به تبیین و تعیین حدود آن پرداخته‌اند؛ اما پژوهش تفصیلی در روزگار کنونی در این باره را تنها می‌توان در سه نگاشته ذیل پیگیری کرد:

«واکاوی مفهوم ناصب و محرومیت او از حقوق مدنی در احادیث و فقه امامیه»، نوشته علی سجادی‌زاده، که در شماره ۴ نشریه آموزه‌های فقه مدنی در سال ۱۳۹۰ (ص ۶۵ - ۹۴) منتشر شده و نویسنده بخشی از مقاله را به تبیین مفهوم نصب در احادیث و فقه شیعه اختصاص داده است.

«ملاک ناصبانگاری، احکام و آثار مترتب بر نصب در فقه امامیه»، نوشته رحمت

تولایی و سیدابوالقاسم نقیبی که در شماره ۱۰۸ نشریه فقه و اصول در سال ۱۳۹۶ (ص ۴۷ - ۶۴) به چاپ رسیده است. نویسندگان این مقاله به بررسی اقوال پنج گانه فقیهان امامیه درباره ملاک‌های نصب و نیز دو حکم کفر و نجاست نواصب پرداخته‌اند.

«معناشناسی ناصبی‌گری با تأکید بر متون امامیه تا قرن هفتم»، نوشته مهدی مجتهدی که دوفصلنامه امامت‌پژوهی در شماره ۱۳ و ۱۴ سال ۱۳۹۳ منتشر کرده است. مجتهدی پس از بررسی نسبتاً کوتاهی درباره معناشناسی ناصبی‌گری، بیش از نیمی از نوشتار خود را به برخی احکام ناصبی در فقه امامیه اختصاص داده است تا درگیری روزمره شیعیان با این پدیده را اثبات کند.

روشن است که پژوهش‌های بالا تنها دیدگاه شیعی را مدنظر داشته و بررسی مقارنه‌ای این مسئله موضوع آنها نبوده است. همچنین نیاز به رویکرد تفصیلی‌تری در بررسی روایات شیعی و آرای قدمای شیعه همچنان در این آثار دیده می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که این دو خلأ رفع شود و بررسی جامع و متمرکزی بر مفهوم‌شناسی نصب در منابع فریقین صورت پذیرد.

۲. نصب و ناصبی در لغت

خلیل بن احمد فراهیدی (م. ۱۷۵ق)، جوهری (م. ۳۹۳ق)، احمد بن فارس (م. ۳۹۵ق) و ابن منظور (م. ۷۱۱ق) نصب را به معنای بلند کردن و بالا بردن و سرپا و راست نگه داشتن چیزی دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۷۹۵/۳ - ۱۷۹۶؛ جوهری، بی‌تا: ۲۲۴/۱؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۳۴/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۷۵۸/۱ - ۷۶۱) و وقتی می‌گویی: «انصبْتُ الحربَ والعداوة»، یعنی جنگ و دشمنی با او را اظهار کردم، (فیومی، بی‌تا: ۲۳۲؛ طریحی، ۱۳۶۲: ۱۷۳/۲). فیروزآبادی می‌نویسد: «نواصب، ناصبیه و اهل نصب کسانی بودند که بغض و دشمنی با حضرت علی علیه السلام را جزو دین می‌دانستند و با آن حضرت دشمنی کردند». (فیروزآبادی، بی‌تا: ۱۳۷/۱).

بنابراین یکی از معانی واژه «نصب» دشمنی و عداوت است و تقریباً در تمامی کاربردهای این واژه، نوعی بروز داشتن، اظهار و آشکار بودن نیز اشراب شده است.

۳. نصب و ناصبی در روایات

در منابع مهم روایی شیعه حدود شصت روایت وجود دارد که واژه‌های «نصب» و «ناصب» و مشتقات آن در آنها به کار رفته است. این روایات را می‌توان در پنج دسته تقسیم کرد:

۳-۱. خارج بودن نواصب از دایره اسلام و ایمان

روایات بسیاری بر این امر دلالت دارد که نواصب جزو مسلمانان به شمار نمی‌روند؛ برای نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «صنفان من أمتی لانصب لهما فی الاسلام: الناصب لاهل بیتی حرباً و غال فی الدین مارق منه (صدوق، ۱۳۹۰ق: ۲۵۸/۳، ح ۱۰/۱۲۲۵)؛ دو گروه از امت مرا بهره‌ای از اسلام نیست: ناصبی و دشمن ما اهل بیت و غالی در دین که درحقیقت از دین خارج شده است» این برداشت را می‌توان از روایات دیگری که ناصبی را در برابر مؤمن و مستضعف قرار داده (همو، ۱۴۲۹ق: ۳۶۷-۳۶۸، ح ۳۴) یا طینت او را همچون کافران می‌داند (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۳/۲، ح ۲) و یا آنان را در کنار اهل کتاب قرار داده، نیز استنباط کرد (همان: ۲۲۷، ح ۲۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۷۱/۳۳).

با این حال مساوی دانسته شدن نواصب و زیدیه در برخی روایات (طوسی، ۱۳۴۸: ۲۲۹، ح ۴۰۹؛ طوسی، ۱۳۶۴ق: ۵۳/۴، ح ۱۲/۱۴۱) در این زمینه تأمل برانگیز است. خروج نواصب از دایره اسلام به‌طور طبیعی لوازمی در پی خواهد داشت که به برخی از آنها در روایات اشاره شده است:

الف) پذیرفته نشدن اعمال ناصب (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۱۹۳/۲، ح ۱؛ همان: ۱۶۰، ح ۱۶۲؛ ۱۹۷/۲، ح ۶).

ب) ملعون و مورد غضب و عذاب خداوند بودن نواصب (همان: ۳۷۹/۲، ح ۱۳ و ۲۴۷/۳، ح ۱؛ طوسی، ۱۳۴۸: ۲۲۹، ح ۴۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۳/۸۲، ح ۱۲).

ج) صحت نداشتن نماز به امامت ناصبی به‌جز در شرایط تقیه (طوسی، ۱۳۶۴ق: ۲۷/۳، ح ۷/۹۵ و همان: ۳۵، ح ۳۸/۱۲۶).

د) صحت اعمال نواصب پس از رجوع به حق به‌جز زکات و حج (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۵۴۶/۳، ح ۲۳؛ همان: ۲۷۳/۴، ح ۱).

د) عدم جواز انجام حج به نیابت از نواصب (همان: ۳۰۹/۴ و ص ۳۱۵، ح ۴).

ه) احترام ذاتی نداشتن انفس و اموال نواصب، مگر در امانات (طوسی، ۱۳۶۴ق: ۱۲۲/۴، ح ۳۵۰/۷؛ ۳۸۷/۶، ح ۱۱۵۴/۱۱۵۴؛ ۳۷۴/۶، ح ۱۴؛ ۲۹۳/۶، ح ۴۴۸؛ صدوق، بی‌تا: ۶۰۱/۲، ح ۵۸).
و) عدم جواز اعطای زکات به نواصب (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۵۵۱/۳، ح ۱۴۶/۳؛ صدوق، ۱۳۹۰ق: ۱۱۸/۲، ح ۱۷/۵۰۷).

ز) حرمت نکاح با نواصب و اکل ذبایح آنان (طوسی، ۱۳۶۴ق: ۳۰۳/۷، ح ۲۱/۱۲۶۳ و ۲۲/۱۲۶۴؛ ۷۱/۹، ح ۳۶-۳۹؛ کلینی، ۱۳۹۱ق: ۳۴۸/۵، ح ۳ و ۴؛ ۳۴۹/۵، ح ۸؛ ۳۵۰/۵، ح ۱۱؛ ۳۵۱/۵، ح ۱۴ و ۱۵).

ح) پذیرفته نشدن شهادت ناصبی (مغربی، ۱۳۸۵ق: ۵۱۱/۲، ح ۱۸۳۴).

۲-۳. نواصب، پست‌ترین موجودات

از روایات زیادی چنین بر می‌آید که نواصب پست‌ترین انسان‌ها و بلکه پست‌تر از حیوانات نجس‌العین هستند؛ برای نمونه چنین نقل شده است: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از چاهی که در آن غساله حمام جمع می‌شود غسل نکن؛ چرا که در آن غساله زن‌زاده است که تا هفت پشت طاهر نمی‌شود و نیز در آن غساله ناصبی است که از زن‌زاده نیز بدتر است. خداوند موجودی شرتر از سگ نیافریده؛ ولی ناصب نزد خداوند از آن نیز پست‌تر است». روایات مشابه همین مضمون نقل شده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۹۱ق: ۵۰۳/۶، ح ۳۸؛ ۲۰۴/۲، ح ۱۱؛ ۱۰۱/۸، ح ۷۲؛ برقی، بی‌تا: ۱۸۵/۱، ح ۱۹۶).

۳-۳. ناصبی بودن معتقدان به امامت ابوبکر و عمر

از برخی روایات نیز چنین بر می‌آید که عموم اهل سنت را که ابوبکر و عمر را بر امیرالمؤمنین علیه السلام مقدم می‌شمارند، باید ناصبی دانست (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق: ۲۲۹/۲) که در پایان بحث به بررسی مفاد این روایت پرداخته خواهد شد.

۴-۳. شدت دشمنی نواصب با اهل بیت علیهم السلام

افزون بر روایات نقل شده، کلینی در کتاب روضه کافی روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که نشان‌دهنده فضای حاکم بر جامعه مسلمانان و اوج نصب و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام در دوران آن حضرت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «از بردن نام حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام پرهیز و اجتناب کنید؛ زیرا هیچ چیزی مردم را مانند بردن نام حضرت علی و فاطمه علیهما السلام ناراحت نمی‌کند» (کلینی، ۱۳۹۱ق: ۱۵۹/۸، ح ۱۵۶). علامه محمدباقر مجلسی در توضیح روایت می‌نویسد: «منظور امام صادق علیه السلام این است که از بردن نام حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام نزد مخالفانی که ناصبی هستند، خودداری کنید» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۱/۲۶).

۵-۳. ناصبی بودن دشمنان شیعه

روایتی که در *علل الشرایع* نقل شده، بر آن دلالت دارد که همان‌گونه که دشمنان اهل بیت علیهم السلام ناصبی هستند، دشمنان شیعه نیز در زمره نواصب قرار دارند؛ از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: ناصبی آن کسی نیست که با ما اهل بیت دشمنی می‌ورزد؛ زیرا کسی را نمی‌یابی که بگوید من با محمد و آل محمد بغض و دشمنی

دارم؛ ولی ناصبی آن کسی است که با شما به دشمنی بر می‌خیزد؛ درحالی که می‌داند شما ولایت ما را دارید و از شیعیان ما هستید». (صدوق، بی‌تا: ۶۰۱/۲، باب ۳۸۵، ح ۶۰)

۳-۶. جمع‌بندی روایات

با توجه و دقت در اطلاقات و موارد کاربرد لفظ ناصب و ناصبی در روایات، شکی باقی نمی‌ماند که این لفظ در لسان روایات در چند معنا آمده است:

- کسانی که با اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی و عداوت دارند و آن را اظهار می‌کنند.
- کسانی که با شیعیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر تشیع و محبت اهل بیت علیهم‌السلام، دشمنی دارند (دشمنی آنان با شیعیان به نوعی به دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام بر می‌گردد).
- مخالفانی که به مذهب خود تعصب دارند.

- عموم مخالفان و اهل سنت که خلافت و وصایت حضرت علی علیه‌السلام را نپذیرفته‌اند.

علامه محمدتقی مجلسی در توضیح و نقد روایت «ویجوز أن يجعل الرجل حجة أو عمرته أو بعض صلوته أو بعض طوافه لبعض أهله وهو ميت ويتنفع به حتى أنه ليكون مسخوطاً عليه فيغفر له ويكون مضيقاً عليه فيوسع ويعلم الميت بذلك ولو أن رجلاً فعل ذلك عن ناصب لخفف عنه...» دو توجیه ذکر می‌کند و سپس می‌نویسد: «در بسیاری از روایات لفظ ناصب به کار رفته؛ ولی عموم مخالفان و اهل سنت مراد هستند. این گونه استعمال در روایات، امری شایع و رایج است». (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۴۷۴/۱). وی در ذیل روایت «لا ينبغي للرجل المسلم منكم أن يتزوج الناصية ولا يزوج ابنته ناصباً [ناصبياً]» نیز به همین مطلب اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در بسیاری از اخبار و روایات، کلمه «ناصب» به کار رفته؛ ولی عموم اهل سنت و مخالفان اراده شده است. در روایت یاد شده نیز به قرینه واژه «لا ينبغي» مراد از «ناصب» عموم مخالفان هستند» (همان: ۲۱۶/۸) و در ذیل روایت «لا تأكل ذبيحة الناصب إلا أن تسمعه يسمي» نیز می‌نویسد: «احتمالاً مراد از «ناصب» عامه و مخالفان هستند» (همان: ۴۳۰/۷).

مولی احمد معروف به مقدس اردبیلی (م. ۹۹۳ ق) درباره روایات باب حج که واژه «ناصب» در آن آمده، می‌نویسد: «مراد از «ناصب» در این روایات، عموم مخالفان و اهل سنت هستند؛ نه کافران مبغض اهل بیت علیهم‌السلام. در بسیاری از روایات بر عموم اهل سنت و مخالفان، «ناصب» اطلاق شده است. در برخی روایات حتی بر «زیدی‌ها» نیز ناصب اطلاق شده است». (اردبیلی، بی‌تا: ۱۰۱/۶).

فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ق) در جمع‌بندی روایاتی که واژگان «نصب» و «ناصب» در آنها آمده، می‌نویسد: لفظ «ناصب» چند معنا دارد و این واژه در روایات به چند گروه اطلاق شده است.

- کسانی که جنگ با اهل بیت علیهم‌السلام را جایز دانسته و با آنان به جنگ پرداخته‌اند.
- کسانی که با اهل بیت علیهم‌السلام عداوت و دشمنی دارند.
- کسانی که با شیعیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام به خاطر تشیع و محبت اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی دارند.

ایشان در ادامه می‌نویسد: «اهل سنت اگر با شیعیان به خاطر تشیع و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام دشمنی نداشته باشند، ناصبی نیستند» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۲۲۹/۲ - ۲۳۰).

صاحب جواهر (م. ۱۲۶۶ق) نیز در توجیه روایاتی که به عموم اهل سنت اطلاق ناصبی کرده است، می‌نویسد: «با توجه و در نظر گرفتن سیره قطعی و ادله و روایات و عسر و حرج، عموم مخالفان کافر نیستند و احکام کفر در این دنیا بر آنان جاری نمی‌شود و باید روایاتی را که اطلاق ناصب و ناصبی کرده، به آخرت حمل کنیم» (نجفی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳۰).

۴. نصب و ناصبی در اصطلاح

پس از مشخص شدن معنای لغوی نصب و ناصبی باید مفهوم و مراد از این واژه‌ها در اصطلاح نیز مشخص و بیان شود. برای مشخص شدن معنای این واژه‌ها، نخست سخنان علمای شیعه و سپس سخنان علمای اهل سنت بیان خواهد شد.

۴-۱. نصب و ناصبی در سخنان علمای شیعه

فقه‌های شیعه در معنای نصب و ناصبی اختلافی ندارند و تنها در تطبیق و مصادیق نواصب، اندکی با هم اختلاف نظر دارند و به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند:

گروه اول

شماری از فقه‌های شیعه مانند شیخ یوسف بحرانی به تبع برخی روایات که در آن بر عموم اهل سنت و کسانی که به حقانیت حضرت علی علیه‌السلام عالم و عارف‌اند، ولی ابوبکر و عمر را بر حضرت علی علیه‌السلام مقدم کرده‌اند، اطلاق نصب و ناصبی شده است، عموم مخالفان را ناصبی و کافر و نجس دانسته‌اند. این مطلب به سید مرتضی و ابن‌ادریس حلی نیز نسبت

داده شده است (بحرانی، بی‌تا: ۳۶۱/۱۰-۳۶۲ و ۱۸۶/۵ و ۶۰/۲۴).

بررسی و نقد

در نقد سخنان این گروه می‌توان گفت از سخنان شیخ یوسف بحرانی نیز می‌توان چنین برداشت کرد که وجود قیده‌های «العارفین بالإمامة والمنکرین القول بها» و «غیر المستضعف» (همان: ۶۰/۲۴) و دخالت دادن آن در تعریف نصب سبب می‌شود بر خلاف ادعای این گروه، بیشتر اهل سنت از دایره نصب و نواصب خارج شوند؛ زیرا آنان مستضعف‌اند و به امامت و حقانیت حضرت علی علیه السلام عالم و عارف نیستند.

گروه دوم

بیشتر فقهای شیعه مانند شیخ صدوق (۱۳۹۰ق: ۲۵۸/۳، ح ۱۲۲۵/۱۰)، شیخ طوسی (۱۳۶۴ق: ۳۰۲/۷ و ۳۰۴ و ۷۱/۹، ح ۲۹۹/۳۴)، محقق حلی (۱۴۱۳ق: ۳۷۷)، علامه حلی (۱۴۱۴ق: ۶۸/۱؛ ۱۱۱/۷؛ ۱۴۱۹ق: ۳۱۸/۳)، شهید ثانی (بی‌تا: ۴۳۲/۷)، مقدس اردبیلی (بی‌تا: ۱۰۱/۶)، عاملی صاحب مدارک (۱۴۱۰ق: ۱۲۹/۱)، محمدتقی مجلسی (۱۴۰۶ق: ۵۱/۱؛ ۲۲۰/۸)، فیض کاشانی (۱۴۱۶ق: ۲۲۹/۲؛ ۴۲۹/۱۷)، محمدباقر مجلسی (۱۴۰۴ق: ۷۲/۱۴)، سیدعبدالله جزائری (بی‌تا: ۹۲)، شیخ جعفر کاشف‌الغطا (بی‌تا: ۴۰۳)، سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض (۱۴۱۸ق: ۳۱۲/۱۳)، مولی احمد بن محمد مهدی نراقی (۱۴۱۶ق: ۳۸۷/۱۵)، شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر (۱۳۶۶: ۹۷/۳۰)، شیخ انصاری (ر.ک: ۱۴۱۵ق: ۶، «کتاب الطهارة: ۱۱۷-۱۴۷)، سید ابوالحسن اصفهانی (بی‌تا: ۳۹/۳)، سید ابوالقاسم خویی (۱۴۱۸ق: ۶۹/۳)، سیدعبدالله علی سبزواری (۱۴۱۶ق: ۳۸۴/۱)، میرزا جواد تبریزی (۱۴۲۹ق: ۲۸۸/۱) و سیدعلی سیستانی (۱۴۱۴ق: ۱۴۹/۸۱) عموم اهل سنت را مسلمان و پاک دانسته و با اعتراف به نادر و کم بودن نواصب در میان مسلمانان، تنها کسانی را که به اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام دشمنی و بغض دارند و آن را به نوعی اظهار و اعلان می‌کنند یا اینکه به شیعیان اهل بیت علیهم السلام به خاطر محبت و ارادتشان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، بغض و دشمنی دارند و آن را اظهار و اعلان می‌کنند، ناصبی و کافر و نجس دانسته‌اند.

بیشتر ادله مشهور فقهای شیعه را می‌توان این گونه برشمرد:

- سیره قطعی امامان شیعه علیهم السلام: (نجفی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۳ق: ۱۲۵/۲)؛

- وجود عسرو حرج (نجفی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۳ق: ۱۲۵/۲)؛

- اصل طهارت (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۴۱۴ - ۴۱۶؛ کاشف‌الغطاء؛ ۱۳۸۳ق: ۲/ ۱۲۵).
- اکثر و اقوی و اظهر بودن روایاتی که اهل سنت را مسلمان و پاک دانسته است (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۴۱۴ - ۴۱۶؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳۰؛ کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۳ق: ۲/ ۱۲۵).
- موافقت فتوایی و عملی با مشهور فقها (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۳ق: ۲/ ۱۲۵).
ایشان در توجیه ناصبی خوانده شدن اهل سنت در برخی روایات، دو وجه ذکر کرده‌اند: اول اینکه مضمون این روایات را باید به آخرت حمل کنیم؛ یعنی در آخرت با آنان همانند نواصب برخورد خواهد شد و حکم نواصب را خواهند داشت (نجفی، ۱۳۶۶: ۹۷/۳۰) و دوم اینکه نصب دارای مراتب ضعیف و قوی است و حکم کفر و نجاست مربوط به مرتبه قوی نصب است، نه همه مراتب آن. این گروه از فقها روایت «لأنک لاتجد أحداً يقول إني أبغض محمداً وآل محمد ﷺ» را نیز به دلیل خلاف واقع بودن و مطابقت نداشتن با خارج نپذیرفته و تفسیر آن را به امام ماکول کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸ق: ۳/ ۶۹).

گروه سوم

شمار اندکی از فقهای شیعه مانند حضرت امام خمینی (۱۴۲۲ق: ۴/ ۴۵۷) و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی (۱۴۱۳ق: ۱۹۵-۱۹۶) به تبع عبارت فیروزآبادی با دخالت دادن قید تدین در تعریف نصب و ناصبی، تنها خوارج را که بغض و دشمنی با حضرت علی (ع) را جزو دین دانسته‌اند و آن حضرت را تکفیر کرده و جنگ با ایشان را لازم شمرده‌اند، مصداق ناصبی و کافر می‌دانند. این عده معتقدند اگر کسی دشمنی با اهل بیت (ع) را جزو دین بداند و از روی تدین و دیانت با اهل بیت (ع) دشمنی کند، ناصبی است؛ وگرنه صرف دشمنی با اهل بیت (ع) موجب نصب و کفر نیست.

بررسی و نقد

علامه محمد تقی مجلسی می‌نویسد: «ظاهر عبارت شیخ صدوق موهم این مطلب است که نواصب تنها کسانی هستند که جنگ با ائمه (ع) را جایز می‌دانند؛ ولی منحصر کردن نواصب در این عده درست نیست؛ بلکه علمای شیعه اجماع دارند همه کسانی که با اهل بیت (ع) دشمنی داشته باشند و آن را اظهار کنند، ناصبی قلمداد می‌شوند و کافر هستند» (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق: ۸/ ۲۲۰). همان‌طور که شیخ انصاری نیز ابراز داشته است، مقید کردن ناصبی به کسانی که بغض و دشمنی با اهل بیت (ع) را جزو دین دانسته و از روی تدین و

دیانت به اهل بیت علیهم‌السلام بغض دارند و کافی ندانستن صرف دشمنی با اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تحقق نصب و ناصبی دقیق نیست؛ زیرا این مطلب با ظاهر اخبار و روایات فراوانی در تعارض و ناسازگاری است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۴۸/۶).

بنابراین ذکر قید تدین از سوی فیروزآبادی به خاطر وجود این ویژگی (قید تدین) در خوارج به عنوان مصداق بارز نواصب بوده است؛ نه اینکه این قید در تعریف ناصبی دخیل باشد.

۲-۴. نصب و ناصبی در سخنان علمای اهل سنت

ناصبی بودن عنوان خاصی در فقه اهل سنت نیست و احکام ویژه‌ای بر آن مترتب نیست؛ از این رو اهتمام ویژه‌ای برای تعیین حدود و بیان تعریف دقیقی برای آن در میان آنان دیده نمی‌شود. اما برخی از علمای اهل سنت به مناسبت‌های گوناگون به تعریف نصب و ناصبی پرداخته و به برخی از معیارها و شاخصه‌های نواصب اشاره کرده‌اند؛ از جمله:

علی بن حسین مسعودی (م. ۳۴۶ق)

مسعودی به کسانی که از حضرت علی علیه‌السلام اظهار براءت و بیزاری کرده و از آل مروان و حکومت آنان طرفداری نموده‌اند، ناصبی اطلاق کرده است (مسعودی، ۱۴۱۳ق: ۳۰۷/۳).

حاکم حسکانی (از اعلام قرن پنجم)

حاکم حسکانی پس از اینکه ماجرای شأن نزول آیه ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (انسان: ۸) را از بیش از بیست طریق نقل می‌کند، می‌نویسد: برخی از نواصب به این ماجرا اعتراض می‌کنند و می‌گویند: همه مفسران معتقدند سوره انسان در مکه نازل شده است و قصه مربوط به اطعام فقرا اگر هم صحت داشته باشد، قاعدتاً باید در مدینه اتفاق افتاده باشد و چنین چیزی امکان ندارد و نشان می‌دهد ماجرای اطعام فقرا توسط اهل بیت علیهم‌السلام ماجرای دروغ و ساختگی است. حاکم حسکانی در پاسخ این شبهه می‌گوید: اکثر مفسران معتقدند سوره انسان در مدینه فرو فرستاده شده است و نواصب به دروغ ادعای اجماع کرده و سوره را مکی دانسته‌اند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۹/۲، ح ۱۰۶۱).

ابن عبدالبر قرطبی (م. ۴۶۳ق)

ابن عبدالبر قرطبی کسانی را که به حضرت علی علیه‌السلام فحش و دشنام داده و آن حضرت را تنقیص کرده‌اند، ناصبی دانسته است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ۷۴/۲ - ۷۵، ش ۷۶۹؛ صفدی،

۱۴۱۱ق: ۸۷/۱۴ ش ۱۰۵).

زمخشری (م. ۵۳۸ق)

محمود بن عمر معروف به زمخشری در تعریف نصب می‌نویسد: نصب یعنی بغض داشتن به حضرت علی علیه السلام و دشمنی با ایشان (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۷۶۲/۴).

ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق)

ابن تیمیه درباره نواصب می‌نویسد: نواصب کسانی هستند که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را با قول یا عمل اذیت می‌کنند (ابن تیمیه، ۱۴۲۱ق: ۱۰۲/۳).

ذهبی (م. ۷۴۸ق)

محمد بن احمد ذهبی در شرح حال خالد بن سلمه مردم صدر اسلام را به چهار گروه تقسیم می‌کند و در تعریف و تعیین نواصب می‌نویسد: نواصب کسانی بودند که در مقابل حضرت علی علیه السلام قرار گرفتند و در صفین با آن حضرت جنگیدند. این گروه حضرت علی علیه السلام را تکفیر نمی‌کردند؛ بلکه آن حضرت را مسلمان می‌دانستند؛ ولی معتقد بودند حضرت علی علیه السلام در ماجرای قتل عثمان، کناره‌گیری کرده و از عثمان دفاع نکرده است (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۳۷۴/۵، ش ۱۶۹). ذهبی در جای دیگر، کسانی را که روایت «کانت قد حَفِيت أظافير عليّ من كثرة ما كان يتسلّق عليّ أزواج رسول الله صلی الله علیه و آله» را درباره حضرت علی علیه السلام جعل و نقل کرده‌اند، ناصبی دانسته است (ذهبی، ۱۴۲۸ق: ۲۳۸/۴، ش ۷۶۸ / ۱۱۴ / ۱۰).

ابن کثیر (م. ۷۷۴ق)

ابن کثیر دمشقی شامی به کسانی که برای نشان دادن دشمنی خودشان با شیعیان، در روز عاشورا با پختن غذاهای متنوع، غسل کردن، عطر زدن و پوشیدن لباس‌های نو و فاخر شادی می‌کنند و این روز را برای خودشان عید قرار می‌هند، ناصبی اطلاق کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق: ۲۰۴/۸). وی در جای دیگر کتابش به افرادی که یزید بن معاویه را دوست دارند و به او ارادت دارند، ناصبی اطلاق کرده است (همان: ۲۳۴/۶).

ابن حجر عسقلانی (م. ۸۵۲ق)

عسقلانی می‌نویسد: نصب به انحراف از حضرت علی علیه السلام و اهل بیت آن حضرت اطلاق

می‌شود (ابن حجر، ۱۴۰۷ق: ۴۳۴/۱۰، ح ۵۹۹۰) وی در باب اسباب طعن و به دلیل متهم بودن برخی از راویان صحیح بخاری به نصب، در تعریف نصب می‌نویسد: به کسانی که به حضرت علی علیه السلام بغض داشته باشند و دیگران را بر حضرت علی علیه السلام مقدم کنند، ناصبی اطلاق می‌شود. وی به کسانی که حضرت علی علیه السلام را در جنگ‌هایش مصیب و محق نمی‌دانند، ناصبی اطلاق کرده است (ابن حجر، ۱۴۰۷ق: ۴۸۳).

آلوسی (م. ۱۲۷۰ق)

آلوسی از مفسران اهل سنت در طول چند سطر، سه بار هشام بن عبدالملک را به خاطر توهین به حضرت امیر علیه السلام و متهم کردن آن حضرت در ماجرای افک و تطبیق فقره وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ بر حضرت علی علیه السلام ناصبی خوانده است (آلوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۲۷/۱۸).

شعيب الارنؤوط

شعيب الارنؤوط محقق کتاب *سير اعلام النبلا* در چند جای کتاب و به مناسبت‌های گوناگون به تعریف نصب و معرفی نواصب می‌پردازد و می‌نویسد: نصب یعنی دشمنی کردن و نواصب گروهی هستند که به حضرت علی علیه السلام بغض و دشمنی دارند (ذهبی، ۱۴۱۷ق: ۸۰/۷، ش ۳۵، پاورقی ۱ و ۵/۸، پاورقی ۲؛ همان: ۶۱۷/۱۲، ش ۳۲۶، پاورقی ۳).

نتیجه‌گیری

ناصبی‌گری که به طور خلاصه با ابراز دشمنی با اهل بیت علیهم السلام شناخته می‌شود، از جریان‌های بانفوذ در تاریخ اسلام بوده است که ردپای آن را می‌توان از همان دوران حضور معصومان علیهم السلام جستجو کرد؛ از این رو «نصب و ناصبی‌گری» از عناوین پرتکرار در ابواب گوناگون حدیثی و فقهی نگاشته‌های شیعی است و احکام و آثار بسیاری بر این عنوان بار شده است. فقهای شیعه با توجه به روایات ائمه اطهار علیهم السلام نواصب و دشمنان اهل بیت علیهم السلام را کافر دانسته و همه احکام و لوازم کفر را بر آنان جاری کرده‌اند. اهمیت این مطلب در فقه شیعه سبب شده عالمان شیعه به تبیین دقیقی از این مفهوم بپردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فقهای شیعه در معنای نصب و ناصبی اختلافی ندارند و تنها در تطبیق و مصادیق نواصب، اندکی با هم اختلاف نظر داشته و به سه گروه زیر تقسیم شده‌اند:

۱. برخی فقهای شیعه مانند شیخ یوسف بحرانی به تبع برخی روایات، عامه را نیز مصداق نواصب دانسته‌اند؛ اما در نقد این دیدگاه باید گفت وجود قیده‌های «العارفین بالإمامة والمنکرین القول بها» و «غیر المستضعف» و دخالت دادن آن در تعریف و تعیین و صدق نصب و نواصب باعث می‌شود بر خلاف ادعای این گروه، اکثر و عموم اهل سنت از دایره نصب و نواصب خارج شوند.

۲. شمار اندکی از فقهای شیعه مانند امام خمینی و آیت‌الله سیدمحمدرضا گلپایگانی با دخالت دادن قید تدین در تعریف نصب و ناصبی، تنها خوارج را که بغض و دشمنی با حضرت علی علیه السلام را جزو دین دانسته‌اند و آن حضرت را تکفیر کرده و جنگ با ایشان را لازم دانسته‌اند، مصداق ناصبی و کافر می‌دانند؛ اما این مطلب با ظاهر اخبار و روایات فراوانی در تعارض و ناسازگاری است و ذکر قید تدین از سوی فیروزآبادی به خاطر وجود این ویژگی (قید تدین) در خوارج به عنوان مصداق بارز نواصب بوده است؛ نه اینکه این قید در تعریف ناصبی دخیل باشد.

۳. اکثر فقهای شیعه مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی و دیگران عموم اهل سنت را مسلمان و پاک دانسته و با اعتراف به نادر و کم بودن نواصب در میان مسلمانان، تنها کسانی را که با اهل بیت و امامان معصوم علیهم السلام دشمنی و بغض دارند و آن را به نوعی اظهار و اعلان می‌کنند یا اینکه با شیعیان اهل بیت علیهم السلام به خاطر محبت و ارادتشان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، بغض و دشمنی دارند و آن را اظهار و اعلان می‌کنند، ناصبی و کافر و نجس دانسته‌اند. به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر صحیح‌ترین دیدگاه در تعریف ناصبی‌گری است؛ چراکه از مجموع روایات گوناگون استخراج شده و مؤید به تأیید بیشتر فقیهان شیعه از دیرباز تاکنون است.

ناصبی بودن عنوان خاصی در فقه اهل سنت نیست و احکام ویژه‌ای بر آن مترتب نیست؛ و از این رو اهتمام ویژه‌ای برای تعیین حدود و بیان تعریف دقیقی برای آن در میان اهل سنت دیده نمی‌شود. گرچه برخی علمای اهل سنت به مناسبت‌های گوناگون به تعریف نصب و ناصبی پرداخته و به برخی از معیارها و شاخصه‌های نواصب اشاره کرده‌اند که در مجموع می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- اظهار برائت و بیزاری از حضرت علی علیه السلام و طرفداری از آل مروان؛

- تلاش برای امحا و انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام از طریق جعل روایت و تهمت؛

- ناسزاگویی و دشنام دادن به حضرت علی علیه السلام و تنقیص آن حضرت؛
 - بغض داشتن به حضرت علی علیه السلام؛
 - آزار اهل بیت علیهم السلام و جنگ‌افروزی با ایشان با قول یا عمل؛
 - شادی در روز عاشورا و ارادت و محبت داشتن به یزید؛
 - انحراف از حضرت علی علیه السلام و اهل بیت آن حضرت؛
 - کسانی که حضرت علی علیه السلام را در جنگ‌هایش مصیب و برحق نمی‌دانند.
- به نظر می‌رسد همه موارد به همان تعریف مشهور فقهای شیعه از مفهومی ناصبی‌گری بازگشت دارد و می‌توان ادعا کرد اختلاف چندانی در دیدگاه شیعه و اهل سنت در این باره وجود ندارد؛ هرچند همان‌گونه که بیان شد، فقهای اهل سنت آثار و احکام چندانی بر این عنوان مترتب نکرده‌اند.



فهرست منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم.

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۱ق)، *مجموعه الفتاوی*، محقق: عامر جزار و انور باز، چ ۱، بیروت: دار الوفاء.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، چ ۱، بیروت: دار الفکر.
۳. _____ (۱۴۰۷ق)، «الف» *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، چ ۱، قاهره: دار الریان للتراث.
۴. _____ (۱۴۰۷ق)، «ب» *هدی الساری مقدمه فتح الباری*، چ ۱، قاهره: دارالریان للتراث.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، محقق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *البدایة و النهایة*، چ ۵، محقق: احمد ابو ملحم، علی نجیب عطوی، فؤاد سید، مهدی ناصرالدین و علی عبدالساتر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار الفکر.
۸. احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: (عبدالسلام محمد هارون)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. اردبیلی، مقدس، (بی تا)، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۱۰. اصفهانی، سید ابوالحسن، (بی تا)، *وسيلة النجاة*، قم: مهر استوار.
۱۱. آلوسی، سید محمود بن عبدالله حسینی، (۱۴۲۰ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، چ ۱، محقق: محمد احمد الامد و عمر عبدالسلام السلامی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *تراث الشيخ الاعظم*، چ ۱، قم: مؤسسه الهادی.
۱۳. بحرانی، یوسف، (بی تا)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، محقق: محمد تقی ایروانی، قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (بی تا)، *المحاسن*، چ ۲، مصحح: سیدجلال الدین حسینی، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. تبریزی، میرزا جواد، (۱۴۲۹ق)، *تنقیح مبانی العروة*، چ ۲، قم: دار الصدیقه الشهیده (س).
۱۶. جزائری، سید عبدالله بن نعمت الله، (بی تا)، *تحفة السنية فی شرح نخبة المحسنية*، نسخه خطی، مکتبه اهل بیت (علیهم السلام).

۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، (بی تا)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملايين.
۱۸. حاکم نیشابوری (۱۴۲۹ق)، فضائل فاطمة الزهراء (س)، چ ۱، قاهره: دار الفرقان.
۱۹. حسکائی، عیدالله بن احمد، (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت (علیهم السلام)، محقق: محمدباقر محمودی، چ ۱، تهران: مجمع احیاء الثقافة الإسلامية التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد.
۲۰. خمینی، سیدروح الله، (۱۴۲۲)، کتاب الطهارة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۱. خونی، سیدابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، موسوعة الامام الخوئی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۷ق)، سیر أعلام النبلاء، محقق: شعيب الأرناؤوط و محمد نعيم العرقسوسی، ط ۱، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۲۳. _____ (۱۴۲۸ق)، تذکرة الحفاظ، محقق: شیخ زکریا عمیرات، چ ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۵ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: محمد عبدالسلام شاهین، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. سبزواری، سیدعبدالاعلی، (۱۴۱۶ق)، مهذب الأحکام فی بیان الحلال والحرام، چ ۴، قم: مؤسسه المنار.
۲۶. سیستانی، سیدعلی حسینی، (۱۴۱۴ق)، المسائل المنتخبة، چ ۳، قم: دفتر آیت الله سیستانی.
۲۷. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی، (بی تا)، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۹ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، مصحح و معلق: سیدمحمد کلانتر، چ ۱، نجف: منشورات جامعه النجف الدینیة.
۲۹. _____ (بی تا)، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۳۰. صدوق، محمد بن علی بن حسن، (۱۴۲۹ق)، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۸، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. _____ (بی تا)، علل الشرائع، چ ۱، قم: منشورات مکتبه الداوری.
۳۲. _____ (۱۳۹۰ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، محقق: سیدحسن موسوی خراسان، چ ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۳۳. صفدی، خلیل بن أبیک، (۱۴۱۱ق)، الوافی بالوفیات، چ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۴. طباطبائی، سیدعلی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

۳۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، محقق: سید احمد حسینی، چ ۲، تهران: المكتبة المرتضوية.
۳۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۴۸)، إختیار معرفة الرجال، مصحح: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد.
۳۷. _____ (۱۳۶۴ق)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، چ ۳، تهران: دار الكتاب الاسلامیة.
۳۸. عاملی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الاسلام، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ق)، إرشاد الأذهان إلی أحكام الايمان، محقق: شیخ فارس حسون، چ ۱، قم: انتشارات جامعة مدرسين حوزه علمیه قم.
۴۰. _____ (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، چ ۱، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۱. _____ (۱۴۱۹ق)، قواعد الأحکام، چ ۱، قم: انتشارات جامعة مدرسين حوزه علمیه قم.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۴ق)، العین، محقق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، چ ۱، قم: انتشارات اسوه.
۴۳. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۶ق)، الوافی، اصفهان: مرکز تحقیقات علمی و دینی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۴۴. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا)، المصباح المنیر، بیروت: مكتبة لبنان.
۴۵. کاشف الغطاء، جعفر، (بی تا)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء، اصفهان: انتشارات مهدوی، چاپ سنگی.
۴۶. کاشف الغطاء، علی، (۱۳۸۳ق)، النور الساطع فی الفقه النافع، نجف: مطبعة الآداب.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۱ق)، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۴۸. گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۳ق)، إرشاد السائل، چ ۱، بیروت: دار الصفوة.
۴۹. مجلسی اول، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چ ۲، قم: بنیاد فرهنگ اسلام.
۵۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، چ ۲، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۵۱. _____ (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار علیهم السلام، ط ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء.

۵۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۳ق)، *الرسائل التسع*، محقق: رضا استادی، چ ۱، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۵۳. _____ (۱۴۱۵ق)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، محقق: عبدالحسین محمدعلی بقال، چ ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۵۴. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، چ ۱، محقق: مفید محمد قمیحه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. مغربی، قاضی نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا والأحكام*، محقق: آصف بن علی اصغر فیضی، چ ۳، قاهره: دار المعارف.
۵۶. میرزای قمی، (۱۴۱۷ق)، *غنائم الأيام فی مسائل الحلال والحرام*، محقق: عباس تبریزیان، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۷. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۶)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، محقق: محمود قوچانی، چ ۲، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۵۸. نراقی، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *مستند الشیعه فی أحكام الشریعه*، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لإحياء التراث.

مقالات

۱. تولایی، رحمت و سیدابوالقاسم نقیبه، (۱۳۹۶)، «ملاک ناصب‌انگاری، احکام و آثار مترتب بر نصب در فقه امامیه»، *فقه و اصول*، (۱۰۸)، ص ۴۷ - ۶۴.
۲. سجادی‌زاده، علی، (۱۳۹۰)، «واکاوی مفهوم ناصب و محرومیت او از حقوق مدنی در احادیث و فقه امامیه»، *آموزه‌های فقه مدنی*، (۴)، ص ۶۵ - ۹۴.
۳. مجتهدی، مهدی، (۱۳۹۳)، «معناشناسی ناصبی‌گری با تأکید بر متون امامیه تا قرن هفتم»، *امامت پژوهی* (۱۴ و ۱۳)، ص ۱۶۱ - ۱۸۴.